

باسمه تعالی

۲	مقدمه واجب
۲	ثمره اصل مساله
۲	بررسی کلام مرحوم آخوند
۲	اشکال عام به ثمرات: ثمره اصولی نبودن موارد مذکور
۲	اشکال خاص در باب نذر: تبعیت از قصد ناذر
۳	اشکال استاد: وجود ثمره در باب نذر در صورت قصد اجمالی ناذر
۳	اشکال خاص در باب زوال عدالت: عدم تحقق اصرار بر صغیره
۳	اشکال حلی استاد: وجود چند مبغوضیت در صورت ترک یک مقدمه
۳	اشکال نقضی استاد: تحقق فسق در بعضی موارد
۴	شرطیت تعدد ازمنه ارتکاب صغیره برای تحقق اصرار بر صغیره
۴	اشکال استاد: اصرار به معنای تعدد گناه
۴	عدم تحقق فسق از باب عدم ترتب عقاب بر مقدمات
۴	اشکال خاص در ثمره سوم: تنافی داشتن اخذ اجرت با وجوب و قصد و قریت
۵	بررسی نکاتی در کلام مرحوم آخوند

موضوع: بررسی کلام مرحوم آخوند / ثمره اصل مساله / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ثمره اصل مساله بود. مرحوم آخوند سه ثمره برای اصل مساله مطرح کرده بودند و در نهایت فرمود: اولاً این ثمرات، ثمره نیستند و ثانیاً اگر ثمره باشند، ثمره مساله اصولی نیستند. در این جلسه به بررسی مطالب مرحوم آخوند پرداخته می‌شود.

مقدمه واجب

ثمره اصل مساله

بررسی کلام مرحوم آخوند

بحث در ثمراتی بود که مرحوم آخوند آنها را مطرح کرده بودند.^۱ (ثمره نذر و زوال عدالت و منع اخذ اجرت بر مقدمات) ایشان یک اشکال عام و یک اشکال خاص بر ثمرات سه گانه مطرح کردند.

اشکال عام به ثمرات: ثمره اصولی نبودن موارد مذکور

مرحوم آخوند فرموده است: اگر این موارد ثمره باشند و مترتب بر مساله مقدمه واجب باشد، ثمره اصولی نیستند. ثمره اصولی ثمره ای است که در طریق استنباط حکم شرعی قرار بگیرد و در این موارد ما از مساله اصولی حکم شرعی را استنباط نمی-کنیم. غایه الامر این است که با نتیجه بحث ملازمه، موضوع حکم شرعی به دست آورده می شود. اساسا در این موارد، حکم شرعی کلی متحقق نیست. مثلا در باب نذر، وجوب وفاء را از ادله خودش استنباط کرده ایم و از بحث ملازمه استنباط نشده است. غایه الامر، ملازمه، موضوع وجوب وفاء به نذر را محقق می کند، بر خلاف وجوب شرعی مقدمه که ما از ملازمه، وجوب کلی مقدمه را از ملازمه استنباط کردیم. نتیجه: نسبت به این سه مورد، ما حکم شرعی مستنبط از ملازمه نداریم. غایه الامر این است که موضوع حکم شرعی محقق می شود.

اشکال خاص در باب نذر: تبعیت از قصد ناذر

مرحوم آخوند می فرماید: در باب نذر، ما تابع قصد ناذر هستیم. کسی که نذر به اتیان واجب کرده است، اگر قصد وجوب نفسی کرده است، شامل وجوب غیری نمی شود، هر چند که ملازمه ثابت بشود. (البته بعید نیست که نذر، به وجوب نفسی انصراف داشته باشد)

اگر قصد ناذر اعم از وجوب نفسی و غیری است، چه ملازمه ای وجود داشته باشد و چه نداشته باشد، به اتیان وجوب غیری می تواند اکتفاء کند.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۳.

اشکال استاد: وجود ثمره در باب نذر در صورت قصد اجمالی نادر

ممکن است ناذر اجمالا اتيان به واجب شرعی را نذر کرده باشد. حال اگر ناذر مقدمه واجبی را اتيان کند، امتثال، مترتب بر بحث مقدمه واجب است. اگر ملازمه وجود داشته باشد، امتثال شده است و اگر ملازمه وجود نداشته باشد، ممثّل نیست. احیاناً اتفاق می افتد که نذر ناذر، اجمالی است و تفصیلش به بیان این مطالب نیاز دارد.

نتیجه: فی الجمله می توان مساله نذر را به عنوان ثمره قبول کرد.

اشکال خاص در باب زوال عدالت: عدم تحقق اصرار بر صغیره

مرحوم آخوند می فرماید: حتی بنا بر وجوب مقدمه، با ترک مقدمات، اصرار بر صغیره محقق نمی شود؛ چون اگر واجبی چند مقدمه داشته باشد، صرف ترک یک مقدمه، وجوب ذی المقدمه ساقط می شود و غیر مقدور می شود. مثلاً مولا گفته است: صعود علی السطح کن، یک سری مقدمات دارد و صرف این که مکلف نردبان را نخرید، وجوب ساقط می شود و اصرار رخ نمی دهد، هر چند که از نردبان نیز بالا نرفته است.

اشکال حلی استاد: وجود چند مبغوضیت در صورت ترک یک مقدمه

ادعای مرحوم آخوند ناتمام است. هر چند که با ترک یک مقدمه، ذی المقدمه غیر مقدور می شود؛ اما چون با اختیار مکلف بوده است، منافات با مبغوضیت و عقاب های متعدد ندارد؛ یعنی همان طور که نردبان نخریدن مبغوض است، ترک مقدمات دیگر هم مبغوض است. در حقیقت اگر بنا باشد که ترک مقدمات موجب اصرار بشود، دایر مدار خطاب نیست؛ بلکه صرف مبغوضیت کافی است و در محل کلام، با ترک یک مقدمه، مبغوضیتهای متعددی وجود دارد؛ چون با اراده ترک شده اند

اشکال تقضی استاد: تحقق فسق در بعضی موارد

اگر برای تحقق اصرار صغیره، نیاز به بیشتر از سه ارتکاب صغیره داریم و دو واجب داشته باشیم و هر کدام یک مقدمه داشته باشند، با ترک دو واجب و دو مقدمه، چهار گناه صغیره رخ داده است و اصرار بر صغیره رخ داده است. اگر برای تحقق اصرار بر صغیره، نیاز به بیشتر از سه ارتکاب صغیره نداریم، گفته شود که اصرار بر صغیره، با دو گناه صغیره محقق می شود، در یک واجب و یک مقدمه نیز فسق حاصل می شود.

شرطیت تعدد ازمنه ارتکاب صغیره برای تحقق اصرار بر صغیره

بعضی فرموده‌اند: در محل کلام (ترک مقدمات) اصرار بر صغیره محقق نمی‌شود؛ چون اصرار در جایی است که مره بعد مره، ارتکاب رخ دهد و زمان باید مختلف باشد؛ یعنی در صدق اصرار بر صغیره ازمنه عدیده لازم است. در یک زمان، اصرار بر صغیره معنا ندارد؛ پس بر فرض که قبول کنیم ترک واجب و مقدمات آن شده است؛ اما چون در زمان واحد است، اصرار بر صغیره رخ نمی‌دهد. پس چه ملازمه بین وجوب ذی المقدمه و مقدمه باشد و چه نباشد، این ثمره صحیح نیست

اشکال استاد: اصرار به معنای تعدد گناه

بر فرض که ادعای مذکور صحیح باشد و اصرار بر صغیره صادق نباشد؛ ولی زوال عدالت منوط به عنوان اصرار نیست. این که علماء فرمودند: عدالت با ارتکاب کبیره یا اصرار بر صغیره، زائل می‌شود، مرادشان این است (به قرینه مقابله با یک کبیره) که چند صغیره باشد.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا تعبیر به اصرار شده است؟ در جواب گفته می‌شود: نکته تعبیر به اصرار این است که غالبا ارتکاب گناهان صغیره با تعدد واقعه است؛ لذا از ارتکاب صغیره، تعبیر به اصرار بر صغیره شده است. گفتنی نیست که اگر مکلف در یک زمان، دو اجنبیه را لمس کند، اصرار بر صغیره رخ نداده است.

عدم تحقق فسق از باب عدم ترتب عقاب بر مقدمات

اشکال مهمی که در ثمره مذکور وارد است این است که مرحوم آخوند قبلا فرمود: مقدمات، ثواب و عقاب مجزایی ندارند و اگر چند مقدمه ترک شود و در حال ترک اخیر، قدرت بر امتثال ذی المقدمه نیز وجود دارد، یک عقاب بیشتر وجود ندارد؛ پس ترک مقدمات، موجب فسق نمی‌شود.

مرحوم آخوند نیز قبلا اشاره می‌کرد که هر واجبی معمولا دارای چند مقدمه است و تعدد ثواب و عقابی وجود ندارد. مناسب بود که مرحوم آخوند این مطلب را برای رد این ثمره مطرح می‌کرد؛ اما ایشان این مطلب را نفرموده است.

اشکال خاص در ثمره سوم: تنافی داشتن اخذ اجرت با وجوب و قصد قربت

از دیر باز، بحث اخذ اجرت بر واجبات محل کلام بوده است که اخذ اجرت بر واجبات اشکال دارد یا ندارد؟ مستمسک کسانی که قائل به عدم جواز بوده‌اند یا صفت وجوب بوده و یا قصد قربت بوده است.

مرحوم آخوند می‌فرماید: وجوب مانع اخذ اجرت نمی‌شود؛ زیرا بعضی اوقات باید بر واجبات اخذ اجرت کرد. مثلاً برای این که اختلال نظام لازم نیاید، باید اخذ اجرت کرد. قصد قربت نیز با اخذ اجرت تنافی ندارد. بلکه گاهی اوقات ظاهر تکلیف این است که باید مجاناً امتثال شود. مانند تغسیل موتی و اذان. اگر شارع چنین تکلیفی نداشته باشد، اخذ اجرت بر واجب اشکالی ندارد.

بررسی نکاتی در کلام مرحوم آخوند

اولاً این که مرحوم آخوند فرمود: بعضی اوقات اخذ اجرت بر واجب، لازم است، صحیح نیست؛ زیرا وجوب اخذ اجرت، ربطی به اختلال نظام ندارد. بلکه ممکن است با جواز اخذ اجرت، اختلال رفع بشود؛ اما رفع اختلال نظام متوقف بر وجوب اخذ اجرت نیست.

ثانیاً این که مرحوم آخوند فرمود: قصد قربت با اخذ اجرت تنافی ندارد، صحیح است. ما بالوجدان یافته‌ایم خیلی اوقات کسانی که حج نیابتی انجام می‌دهند، قصد قربت بیشتری نسبت به شخص منوب عنه دارند؛ زیرا حلال بودن اجرت خیلی برای نائب مهم است.

مرحوم آخوند علت عدم تنافی را چنین مطرح کرده است: اخذ اجرت بر واجبات تعبدی، اشکالی ندارد؛ چون از باب داعی بر داعی است. مثلاً حج از مومن مستحب است؛ ولی داعویت ندارد، وقتی اجرت به میان آمد، دعوت می‌کند که مکلف، حج را به داعی خداوند اتیان کند.

نتیجه: اخذ اجرت بر واجبات مانعی ندارد، چه مقدمه واجب، واجب باشد یا نباشد.

ممکن است کسی اضافه کند که بر فرض که اخذ اجرت بر واجبات، اجرت بر مقدمات و واجبات غیر اشکالی ندارد؛ پس اگر دلیل عدم جواز اخذ اجرت تمام باشد، نسبت به واجبات نفسیه است و مقدمات، مطلوبیت نفسی ندارند.